

نقش تعامل زوجین در کاربرد مهارت‌های ارتباطی*

The Role of Couples' Interactions in Application of Communication Skills

M. S. Sadeghi, Ph.D. ✉

M. A. Mazaheri, Ph.D.

F. Mootabi, Ph.D.

✉ دکتر منصوره‌السادات صادقی

استادیار پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی

دکتر محمدعلی مظاهری

استاد دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی

دکتر فرشته موتابی

استادیار پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۹۱/۳/۱۲

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۲/۳/۲۵

پذیرش مقاله: ۹۲/۴/۲

Abstract

The aim of this research was to predict the role of couples' interactions in application of communication skills based on observing their positive and negative interactions. A sample of 31 couples [adapted (15) and maladapted (16)] who were living in Tehran, were selected via accessible sampling. The couples' interactions were videotaped through a designed scenario including problem solving, decision making, and reviewing conversation about a shared pleasure event. Participants also completed the Marital Adjustment Test (MAT).

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش تعامل زوجین در کاربرد مهارت‌های ارتباطی براساس مشاهده تعامل‌های زوجین طراحی شد. بدین منظور، ۳۱ زوج سازگار و ناسازگار (۱۶ زوج ناسازگار)، از بین زوجین ۱۸ تا ۵۰ سال ساکن تهران از طریق نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. سپس با طراحی سناریوی هدفمند، در چند مرحله از تعاملات زوج‌ها فیلم‌برداری شد. این سناریو شامل حل مسئله و تصمیم‌گیری و صحبت درباره‌ی خاطره‌ی خوب قبلی بود.

* این پژوهش با حمایت مالی قطب علمی خانواده ایرانی اسلامی انجام شده است.

✉ نویسنده مسئول: تهران، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده

تلفن: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۳۸۷

پست الکترونیکی: m_sadeghi@sbu.ac.ir

✉ Corresponding author: Family Research Center, Shahid Beheshti University, Tehran.

Tel: +98-02129902387

Email: m_sadeghi@sbu.ac.ir

The couple's interactions were coded using the Iranian Couples Interaction Coding System (ICICS).

Results revealed that the more increase in positive interactions between couples, the more use of "problem solving" and "negotiation" skills observed, whereas increase in the couples' negative interactions was associated with less application of this skills. It was also revealed that while the couples' negative interactions were significantly predictive of using the "decision making" skill, couples with more positive interactions were located in the group who was able to have a review conversation about a shared positive event. In addition, results indicated that couples who were more able to apply problem solving, negotiation, decision making and review conversation about a shared event skills, had also higher scores on marital adjustment.

Destructive role of the couples' negative interactions and intensifying the negative emotions between them has been discussed, as if it seems that couples are not willing to help each other for resolving conflicts. As interactions getting more negative, by creating a negative filtering, memory becomes biased towards negative events at the expense of shared positive events.

Keywords: Iranian Couples Interaction Coding System (ICICS), positive and negative interaction, communication skills, problem solving, pleasant event.

ابزار گردآوری اطلاعات نیز پرسش‌نامه سازگاری زناشویی (MAT) و نظام کدگذاری تعامل زوجین ایرانی (ICICS) بود.

نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد در حالی که با افزایش تعامل مثبت بین زوجها مهارت حل مسئله و مذاکره بیشتر رخ می‌دهد، هرچه تعامل منفی زوجها افزایش می‌یابد، مهارت حل مسئله یا مذاکره کمتر اتفاق می‌افتد. همچنین در حالی که تعامل منفی زوجها پیش‌بینی‌کننده منفی برای استفاده از مهارت تصمیم‌گیری است، زوجینی که میزان تعاملات مثبت آنها بیشتر بود، بیشتر توانستند دربارهٔ خاطرات خوب خود صحبت کنند. از سویی نیز نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد زوجینی که از توانمندی مهارت‌های حل مسئله/مذاکره و تصمیم‌گیری و مرور خاطرات خوب برخوردار بودند، میزان سازگاری زناشویی بیشتری نیز داشتند. در تفسیر یافته‌های فوق، پژوهشگران به نقش مخرب تعاملات منفی بر فضای روانی زوجها و تشدید احساسات منفی رد و بدل شده بین آنها اشاره کرده و اعتقاد دارند در این مواقع، زوجین به کمک به یکدیگر برای حل تعارض تمایلی ندارند. همچنین هرچه تعامل منفی بیشتر باشد، حافظه نیز با ایجاد فیلتر منفی نمی‌تواند خاطرات خوب را یادآوری کند.

کلیدواژه‌ها: نظام کدگذاری تعامل زوجین ایرانی، تعاملات مثبت و منفی، حل مسئله، مهارت‌های ارتباطی، مرور خاطره خوب.

مقدمه

افزایش ناسازگاری‌های مشاهده شده در زندگی زوجین موجب شکل‌گیری پیکربندی حجم وسیعی از مطالعات دربارهٔ چگونگی ارتباط و تعامل زوجها شد. برای چندین دهه است که چگونگی

ارتباط از جمله پرشمارترین عوامل پیش‌بینی‌کننده مشکلات زندگی زناشویی و نیز ناشادمانی زوج‌هاست. سال‌هاست که نوع ارتباط زوجین به‌عنوان یکی از متغیرهای کلیدی در فهم عملکرد زناشویی معرفی شده است؛ تا جایی که در پژوهش‌های متعددی اشاره شده است چگونگی ارتباط زوج‌ها با کیفیت و پایداری ازدواج (کریستنسن و همکاران، ۲۰۰۶؛ گاتمن و نوتاریوس، ۲۰۰۲) و نیز سلامت جسمانی و روانی آن‌ها (کاتز و گاتمن، ۱۹۹۳) رابطه‌ای مستقیم دارد.

کریستنسن و سالوی^۱ (۱۹۹۱؛ به‌نقل از احمدی و همکاران، ۱۳۸۵) با روش جمع‌آوری اطلاعات به شیوه خودگزارش‌دهی، ضمن معرفی سه الگوی ارتباطی سازنده متقابل، تقاضا و توقع-کناره‌گیری و الگوی اجتناب متقابل، بر نقش تعاملات منفی و مثبت در حل تعارضات زناشویی و ارتباط آن با میزان سازگاری زوجین تأکید کردند.

در کنار روش‌های خودگزارش‌دهی برای بررسی الگوهای ارتباطی، متخصصان و پژوهشگران در حیطه خانواده و زوج، الگوهای ارتباطی زوجین و تفاوت تعاملات کلامی و غیرکلامی آن‌ها را در حل مشکلاتشان، با یکی از روش‌های بسیار معتبر معرفی‌شده برای شناسایی این الگوها، یعنی روش‌های مشاهده رفتار زوجین و کدگذاری رفتارهای تعاملی کلامی و غیرکلامی آن‌ها، بررسی کردند (کریچ و باکوم، ۲۰۰۴؛ گاتمن، اسوانسون و اسوانسون، ۲۰۰۲؛ گاتمن و لونسون، ۲۰۰۰؛ گاتمن، ۱۹۹۴). در مطالعه طولی چهارساله‌ای، گاتمن و لونسون (۲۰۰۰) با استفاده از نظام کدگذاری سریع تعامل زوجین^۲، زوج‌ها را براساس بحث در زمینه مشکلاتشان به دو طبقه سازگار و ناسازگار طبقه‌بندی کردند. این محققان کدهای مثبت را برای توصیف رفتارهایی از قبیل شوخی، تأیید و تحسین و کدهای منفی را برای توصیف رفتارهایی از قبیل انتقاد و تحقیر به‌کار بردند. زوج‌های سازگار زوجینی معرفی شدند که دست‌کم، تعداد رفتارهای مثبت آن‌ها در برابر رفتارهای منفی‌شان بیشتر باشد. این زوجین برای حل مشکلات خود، از رفتارهای کلامی مثبت استفاده می‌کردند. زوجین ناسازگار، دفاعی، متمایل به درگیری، خشمگین، کناره‌گیر و دارای عواطف منفی بوده و قادر به حل مشکل خود نبودند. گاتمن و همکارانش الگوی تعاملی زوج‌های متقاضی طلاق را شامل مسائلی همچون شروع ناگهانی تعامل منفی توسط زنان، امتناع شوهر از تحت تأثیر قرار گرفتن توسط همسرش، مقابله به مثل زن در کاهش مهربانی و افزایش تعاملات منفی توسط شوهر، معرفی کرده‌اند. این پژوهشگران توضیح می‌دهند به هر میزانی که زنان در طی ارتباط خود با همسرانشان لحن خود را نرم‌تر کنند؛ به‌طوری که شوهر تحت تأثیر همسرش قرار بگیرد، مرد از تعاملات منفی کمتری استفاده می‌کند و زن تمایل می‌یابد تا از شوخی برای نرم‌کردن همسرش استفاده کند و در نتیجه، شوهر نیز با ابراز عواطف مثبت برای نرم‌کردن همسرش تلاش خواهد کرد. بدین ترتیب، زوج‌ها قادر خواهند بود درباره مشکلات و حیطه‌های مورد اختلاف، به توافق برسند.

گزارش نتایج مطالعات منتشر شده در این زمینه، نشان می‌دهد که در مقایسه با زوج‌های سازگار، زوج‌های ناسازگار میزان بیشتری از رفتارهای کلامی و غیرکلامی منفی و انتقاد و تحقیر را نشان داده و به حل مشکلات خود کمتر علاقه نشان می‌دهند (ویس و هیمن، ۱۹۹۰، ۱۹۹۷؛ هر دو به نقل از کریستنسن و همکاران، ۲۰۰۶). همچنین زوجین ناسازگار در مقایسه با زوجین سازگار، ضمن اینکه شناخت منفی‌تری به ارتباط دو جانبه‌شان دارند، در حل اختلاف و پذیرش نقش‌ها نیز مشکلات بیشتری نشان می‌دهند (هالفورد و سندرز، ۱۹۸۸؛ نولر و فیینی، ۲۰۰۲).

ون‌جلیستی (۲۰۰۴) اعتقاد دارد برقراری ارتباط به شیوه‌ای صحیح، به‌خصوص در روابط دو جانبه، اهمیت فراوانی دارد؛ به طوری که هرچه این ارتباط صحیح‌تر باشد، زوجین برای حل مشکلات و افزایش میزان صمیمیت و رضایتمندی از رابطه، بیشتر می‌کوشند. حس شوخ‌طبعی، رد و بدل کردن عواطف مناسب، علایق مشترک و در یک کلام، استفاده از تعاملات مثبت، علاوه بر اینکه بر روش حل تعارض زوجین تأثیرگذار است، رضایتمندی آن‌ها از روابطشان را نیز افزایش می‌دهد.

به‌رغم وجود نتایج همگرای پژوهش‌های خودگزارش‌دهی و مشاهده‌ای در جوامع غربی که حاکی از ارتباط بین کیفیت و کمیت تعاملات یا ارتباط زوجین با چگونگی حل تعارض و مسائل آن‌هاست (کریستنسن و همکاران، ۲۰۰۶؛ گاتمن و نوتاریوس، ۲۰۰۲؛ گاتمن و همکاران، ۲۰۰۲)، پژوهش‌های انجام شده در این زمینه در ایران، اغلب محدود به انجام دادن پژوهش‌هایی با ابزارهای ترجمه شده جوامع غربی است (به‌عنوان نمونه، احمدی و همکاران، ۱۳۸۵؛ فاتحی‌زاده و احمدی، ۱۳۸۴). با توجه به نقش مهم الگوهای تعاملی و ارتباطی در کیفیت روابط زوجین و نیز فقدان پژوهش‌هایی با استفاده از روش مشاهده‌ای تعامل زوجین، پژوهش حاضر در نظر دارد با مشاهده الگوهای تعاملی زوج‌ها، نقش تعاملات مثبت و منفی را در کاربرد مهارت‌های ارتباطی حل مسئله و تصمیم‌گیری بررسی کند. نیز مشخص کند که آیا کاربرد مهارت‌های ارتباطی را می‌توان بر پایه چگونگی تعاملات زوجین پیش‌بینی کرد؟

جامعه آماری و نمونه پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل همه زوجین سنین ۱۸ تا ۵۰ سال تهرانی است. از بین این زوجین، ۳۱ زوج گروه نمونه بدین طریق انتخاب شدند.

برای دعوت از زوجینی که متمایل به شرکت در این پژوهش بودند، اطلاعیه عمومی در میادین پر رفت‌وآمد و اماکن عمومی شهر تهران، مانند فرهنگسراها، مساجد، پارک‌ها، کافی‌شاپ‌ها و... در سطح شهر پخش شد. همچنین هم‌زمان، تقاضانامه‌هایی برای چندین مرکز خدمات مشاوره و روان‌شناسی فرستاده شد تا زوجینی را که برای درمان به این مراکز مراجعه کرده‌اند و تا به حال

جلسات درمانی نداشته‌اند، برای شرکت در این پژوهش معرفی کنند. زوج‌های ناسازگار (۱۶ زوج) پس از تماس تلفنی و بررسی ملاک‌های شمول مبتلا نبودن به اختلالات سایکوتیک (با پرسش در این باره که آیا سابقه مراجعه به روان‌پزشک یا روان‌شناس داشته‌اند یا اینکه آیا تا به حال روان‌پزشک برایشان داروی خاصی تجویز کرده است)، مبتلا نبودن به سوءمصرف مواد (به جز سیگار)، نبود خیانت (ناسازگاری زناشویی به خاطر وجود خیانت نباشد) و شرکت نکردن در جلسات روان‌درمانی دیگر، برای شرکت در پژوهش تعیین وقت شدند. زوج‌های سازگار داوطلب (۱۵ زوج) از طریق تلفن با ملاک‌هایی نظیر سن زوجین و سن ازدواج و تعداد فرزندان، با زوجین ناسازگار جور شده و برای شرکت در پژوهش دعوت شدند.

این زوجین پس از مراجعه به آزمایشگاه پژوهشکده خانواده، پرسش‌نامه سازگاری زناشویی MAT^۳ (لاک و والاس، ۱۹۵۹) را تکمیل کردند. خصوصیات جمعیت‌شناختی زوجین نشان داد که میانگین سال‌های ازدواج زوجین ۸/۰۹ سال و میانگین سن فرزندان آن‌ها ۱/۰۴ سال است. در حالی که میانگین سنی شوهران ۳۵/۵۴ و میانگین سال‌های تحصیلی آن‌ها ۱۴/۹۸ سال است، میانگین سنی زنان آن‌ها ۲۹/۸۷ و میانگین سال‌های تحصیلی آن‌ها ۱۴/۲۹ سال است. در جدول ۱، خصوصیات توصیفی زوجین سازگار و ناسازگار نشان داده شده است.

جدول ۱: خصوصیات توصیفی گروه نمونه به تفکیک دو گروه سازگار و ناسازگار

گروه	ناسازگار	سازگار
متغیر	M (SD)	M (SD)
سال‌های ازدواج	۸/۱۶ (۷/۴۳)	۸/۰۱ (۷/۲۸)
میانگین سن	۳۲/۲۲ (۷/۶۲)	۳۲/۰۷ (۶/۹۸)
سال‌های تحصیلی	۱۳/۸۹ (۲/۶۵)	۱۴/۵۳ (۳/۵۸)
نمره MAT زنان	۵۸/۰۶ (۲۴/۴۳)	۱۱۲/۷۶ (۱۷/۶۳)
نمره MAT شوهران	۶۲/۵۶ (۲۶/۸۸)	۱۱۹/۶۰ (۱۶/۲۲)
نمره MAT زوجین	۶۰/۲۵ (۲۱/۶۲)	۱۱۵/۷۶ (۱۵/۱۵)

ابزار گردآوری اطلاعات

آزمون سازگاری زناشویی MAT (لاک و والاس، ۱۹۵۹). این مقیاس پرسش‌نامه خودگزارش‌دهی کوتاهی است که به منظور اندازه‌گیری کیفیت کنش‌وری ازدواج طراحی شده است و معمول‌ترین ابزار اندازه‌گیری به کار برده شده در این زمینه است که با پانزده ماده نشان می‌دهد تا چه حد پاسخ‌دهنده با همسر خود در خصوص تعدادی از فعالیت‌هایی موافق است که در سازگاری زناشویی نقش بنیادین

دارند (اسکامکر و لئونارد، ۲۰۰۵).^۴ مقیاس باید به‌وسیله هر یک از زوجها به‌طور جداگانه تکمیل شود و بدین ترتیب، امکان اندازه‌گیری کلی سازگاری زناشویی بر پایه ادراک بین‌فردی از روابط زناشویی را فراهم می‌آورد. گستره نمرات این مقیاس می‌تواند از ۲ تا ۱۵۸ باشد که نمرات پایین، نارضایتی و نمرات بالا، رضایتمندی زناشویی را نشان می‌دهند. کاربرد وسیع این آزمون در مطالعات بین‌فرهنگی و فرهنگی مختلف و کسب نتایج معتبر در تمایز زوج‌های سازگار و ناسازگار (درمانی و پژوهشی)، نشان داده است که آزمون MAT، آزمونی است که در فرهنگ‌های مختلف کاربرد دارد (دوپلیسیس، ۲۰۰۸؛ درایور، ۲۰۰۶؛ اسکامکر و لئونارد، ۲۰۰۵؛ رهن، ۲۰۰۳). این آزمون را مظاهری (۱۹۹۷) با روش ترجمه و ترجمه مجدد برای زوج‌های ایرانی آماده کرده و تاکنون در پژوهش‌های متعددی برای اندازه‌گیری میزان سازگاری زوج‌های ایرانی استفاده شده است (به‌عنوان نمونه، مظاهری و پوراعتماد و حیدری، ۱۳۸۲؛ رضانی، ۱۳۸۸؛ صادقی و همکاران، چاپ نشده). اعتبار این آزمون در پژوهش‌های ذکرشده به روش همسانی درونی^۵ و از طریق محاسبه آلفای کرونباخ در دامنه ۰/۸۱ تا ۰/۸۳ در تغییر بوده است. همچنین روایی این مقیاس از طریق روایی سازه^۶ (بررسی تفاوت‌های گروهی) و با استفاده از روش رگرسیون لجستیک، با ایجاد تمایز واضح و آشکار بین زوج‌های سازگار و راضی از زندگی خود و زوج‌هایی که در ازدواج خود دچار تنیدگی بوده و متقاضی طلاق هستند، روایی تفکیکی بسیار بالایی را نشان داده است (صادقی، ۱۳۹۰).

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که مدل کامل با $p < 0/001$ و $\chi^2_{(1)} = 68/58$ به‌طور معنی‌داری پایا بوده است و این مدل بین ۵۳/۳ درصد تا ۷۴/۱ درصد از واریانس را در زوجین متقاضی طلاق تبیین می‌کند و در کل، ۶۶/۶ درصد از پیش‌بینی‌ها برای قرار گرفتن زوجها در گروه طلاق با توجه به نمره MAT آن‌ها درست است. همچنین این پژوهشگران نسبت برتری (Exp(B)) این مقیاس را ۰/۹۳ گزارش داده‌اند که نسبت برتری بالایی است (صادقی، ۱۳۹۰).

نظام کدگذاری تعامل زوجین ایرانی (ICICS)^۷

نظام مشاهده‌ای کدگذاری زوجین چک‌لیستی از تعاملات زوجین و رفتارهای کلامی و غیر کلامی آن‌هاست. این نظام کدگذاری شامل ۲۳ کد تعاملی است، شامل ۱۵ کد تعاملی منفی و ۱ کد تعاملی خنثی و ۷ کد تعاملی مثبت. کدهای تعاملی منفی شامل «تنفر»، «اهانت»، «کج‌خلقی»، «سلطه‌گری»، «انتقاد»، «عصبانیت»، «تنش»، «شوخی عصبی»، «دفاعی رفتار کردن»، «غمگینی»، «دیوار سنگی»، «خانواده»، «اهانت به خود»، «تخطئه کردن رابطه» و «قواعد جنسیتی» است. هفت کد تعامل مثبت شامل «علاقه برای رابطه»، «تصدیق و تأیید کردن»، «عاطفه»، «شوخی»، «شگفت‌زده کردن» و «خودافشایی» و کاربرد کلمه «ما» در روابط زوجین است. از جمع کدهای

تعاملی منفی، میزان تعاملات منفی و از جمع کدهای تعاملی مثبت، میزان تعاملات مثبت محاسبه می‌شود.

این نظام کدگذاری را صادقی (۱۳۸۹) براساس نظریه‌ها و نظام‌های کدگذاری معتبر از جمله نظام کدگذاری مخصوص عاطفه (اسپاف،^۸ گاتمن و همکاران، ۱۹۹۸) فراهم کرد. سپس با در نظر گرفتن نتایج پژوهش‌ها در زمینه تفاوت‌های فرهنگی در این حوزه (کریستنسن و همکاران، ۲۰۰۶؛ تری یاندریس، ۱۳۷۸، هالفورد و همکاران،^۹ ۱۹۹۰؛ تومیتا،^{۱۰} ۱۹۹۴ و...)، براساس روش‌های جمع‌آوری اطلاعات کیفی، از جمله مشاهده و مصاحبه با چند زوج ناسازگار و تشکیل گروه متمرکز از متخصصان زوج‌درمانگر، چک‌لیست اولیه تکمیل و چک‌لیست نهایی تهیه شد. روایی^{۱۱} سازه این نظام کدگذاری مشاهده‌ای از دو طریق روایی توافقی، یعنی همبستگی با نمرات آزمون MAT و روایی تفکیکی، یعنی نتایج تحلیل تشخیصی در ایجاد تمایز بین گروه‌های سازگار و ناسازگار، محاسبه و تأیید شده است (نک: صادقی و مظاهری و موتابی، ۱۳۸۹). اعتبار^{۱۲} این چک‌لیست نیز از طریق اعتبار بین ارزیابان، توسط همبستگی بین مسائل کدگذاری شده بین آن‌ها بررسی شده و اعتبار مربوط به ملاک پرسش‌نامه نیز به‌وسیله همبستگی بین کدگذاری ارزیابان با کددهنده اصلی محاسبه شده است. همبستگی بین مشاهده‌گران با استفاده از آزمون I نشان داد که نمرات همبستگی بین هر یک از کدهای تعاملی بین مشاهده‌گران، دامنه‌ای از ۰/۵۶ تا ۰/۹۵ دارد که در تمام موارد، مقدار $p < 0/05$ است. همبستگی برای کل تعاملات منفی $I = 0/82$ و $p < 0/01$ و نتایج همبستگی برای تمام تعاملات مثبت $I = 0/76$ و $p < 0/05$ به‌دست آمد (صادقی، ۱۳۸۹).

روش اجرا

هر یک از زوجین برای مطالعه‌ای حدوداً دو ساعته، به آزمایشگاه مشاهدات بالینی پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی دعوت شدند. در طی جلسه توجیهی کوتاهی، آزمایشگر درباره پژوهش و مراحل انجام کار و هر یک از تکالیف، توضیح مختصری به زوجین داد. پس از پرکردن فرم رضایت توسط زوجین، هر یک از زوجها پرسش‌نامه MAT را تکمیل کردند. سپس هریک از زوجین فرمی را برای پر کردن فهرست مشکلات زندگی زناشویی دریافت کردند و از آن‌ها خواسته شد ده مشکل از مشکلات زندگی مشترک خود را به ترتیب اولویت بنویسند (برای انجام دادن تکلیف اول). در نهایت، هر یک از زوجین فرمی را برای پر کردن خاطرات خوب دریافت کرده و از آن‌ها خواسته شد عنوان سه خاطره خوب در زندگی مشترک را یادداشت کنند (برای انجام دادن تکلیف سوم). پس از تکمیل پرسش‌نامه و فرم‌ها توسط زوجها، زوجین در معرض سه تکلیف قرار گرفتند: در تکلیف اول، زوجین در دو مرحله، راجع به ارائه راه‌حل برای یک مشکل فعلی و یک مشکل پیشین، با یکدیگر حدود پانزده دقیقه صحبت کردند. در تکلیف دوم، کارتی به زوجین داده شد و زوجین باید درباره یک

میهمانی که خودشان قرار بود برگزار کنند، در زمانی حدود ده دقیقه تصمیماتی بگیرند (قدرت تصمیم‌گیری و تقسیم وظایف و نقش‌ها).

زوجین برای شروع و اتمام هر بخش از تکالیف، صدای زنگی را می‌شنیدند. در ضمن، زوجین حدود دو دقیقه قبل از شروع هر تکلیفی، سکوت می‌کردند تا مرحله بعدی شروع شود. شایان ذکر است زوجین بر روی صندلی‌های راحتی روبه‌روی هم می‌نشستند و تمامی رفتارهای کلامی و غیرکلامی زوجین به‌وسیله یک میکروفن حساس و دو دوربین فیلم‌برداری ضبط می‌شد که بالای سر زوجین نصب بود و هر حرکت مشهود بالا تنه آن‌ها را ثبت می‌کرد. آزمایشگر می‌توانست این دوربین‌های با قدرت تمرکز فوق‌العاده را از خارج از اتاق کنترل کرده و فاصله‌ها را تنظیم کند. نیز وقتی زوجین برای انجام تکالیف آماده بودند، آزمایشگر اتاق را ترک کرده و به اتاق مجاور می‌رفت تا ضمن واقعی‌تر کردن فضای زوجین، تعاملات آن‌ها را مشاهده و بر روی نوار ویدئویی و دستگاه کامپیوتر ضبط کند (نک: صادقی و همکاران، ۱۳۸۹).

یافته‌ها

برای پاسخ به سؤال آیا کاربرد مهارت‌های ارتباطی را می‌توان بر پایه چگونگی تعاملات زوجین پیش‌بینی کرد؟ با استفاده از تحلیل رگرسیون لوجستیک، چگونگی تعاملات زوجین در کاربرد مهارت‌های ارتباطی بررسی شد. قبل از بررسی نتایج داده‌ها، قابل توضیح است که نتایج آزمون t وابسته نشان داد که نمرات هر زوجی در تعاملات منفی و مثبت و نیز سازگاری زناشویی با یکدیگر تفاوت معناداری ندارد.

همان‌طور که در قسمت پیشین نیز توضیح داده شد، زوجین در معرض سه تکلیف قرار گرفتند: در تکلیف اول، مهارت‌های حل مسئله و مذاکره و در تکلیف دوم، مهارت تصمیم‌گیری درباره وظایف و نقش‌ها بررسی می‌شد. در تکلیف سوم، زوج‌ها باید خاطرات خوب را به یاد آورده و با پذیرایی از خود، درباره این خاطره صحبت می‌کردند. زوج‌ها براساس موارد زیر به چند گروه تقسیم شدند: اول، آیا توانستند جلسه مذاکره را خوب به پیش برند و راه‌حلی برای مشکل خود پیدا کنند یا اینکه دعوایشان شد، به دو گروه تقسیم شدند. همچنین براساس اینکه درباره تصمیم‌گیری راجع به وظایف و نقش‌ها به توافق رسیده یا نرسیده باشند و توانسته باشند خاطرات خوب را یادآوری کنند یا نکنند نیز به دو گروه تقسیم شدند.

- مهارت حل مسئله/مذاکره

پیش‌بینی می‌شود زوج‌هایی که تعاملات منفی بیشتری دارند، بیشتر در گروهی قرار می‌گیرند که توانایی حل مسئله/مذاکره را ندارند. برای بررسی نقش پیش‌بینی‌کننده چگونگی تعاملات در استفاده از حل مسئله یا مذاکره، نتایج آزمون رگرسیون لوجستیک نشان داد مدل کلی با $p < 0/000$ و

$\chi^2_{(2)} = 37/51$ به‌طور معنی‌داری پایا بوده است و این مدل بین $70/2$ درصد تا $94/4$ درصد از واریانس را تبیین می‌کند.

نتایج آزمون هاسمر-لمه شو نشان داد که مدل با $p < 0,99$ و $\chi^2_{(8)} = 1/0,2$ مدل بسیار مناسبی برای داده‌هاست. این آزمون که شاخصی از توافق بین نتایج مشاهده شده و نتایج پیش‌بینی شده را ارائه می‌دهد، آزمونی برای فرض صفر است و مدلی در این آزمون مناسب است که مقدار p آن زیاد باشد.

جدول ۲: خلاصه نتایج پیش‌بینی و مقایسه آن با جدول معادل در Block 0

پیش‌بینی درست %	پیش‌بینی شده مرور خاطرات خوب		گروه‌ها
	دارند	ندارند	
(100)/94/4	(0)1	(18)17	حل مسئله ندارد
(0)92/53	(0)12	(13)1	حل مسئله دارد

درصد کلی 93/5 (50/8)

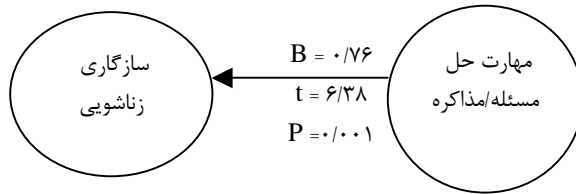
همان‌طور که نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد، مدل محاسبه شده برای 93/5 درصد از زوجین نتیجه را به‌درستی پیش‌بینی کرده است؛ البته مقایسه نتایج با نتیجه موجود در Block 0 نشان می‌دهد که تحلیل رگرسیون پیش‌بینی دقیق‌تری از یک پیش‌بینی ساده را گزارش داده است (93/5 درصد در مقابل 50/8 درصد). در جدول ۳، آزمون انفرادی متغیرها براساس میزان ضریب رگرسیون و آماره والد ارائه شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون انفرادی پیش‌بینی مهارت حل مسئله/مذاکره

براساس چگونگی تعاملات زوجین

نوع تعامل زوجین	Beta	S.E	Wald	df	Sig	Exp (B)
تعامل منفی زوجین	-0/16	0/05	7/85	1	0/005	0/85
تعامل مثبت زوجین	0/13	0/04	8/37	1	0/004	1/14
مقدار ثابت	-3/56	1/52	7/9	1	0/005	0/04

همان‌طور که نتایج تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد، در حالی که با افزایش تعامل مثبت مهارت حل مسئله و مذاکره بیشتر رخ می‌دهد (0/13)، هرچه تعامل منفی زوجین افزایش می‌یابد، مهارت حل مسئله یا مذاکره کمتر اتفاق می‌افتد (-0/16)؛ به‌گونه‌ای که یک واحد افزایش در این تعامل، شانس حل مسئله را 0/85 کاهش می‌دهد. البته این یافته‌ها درباره میزان سازگاری زناشویی نیز تأیید می‌شود (شکل ۱)؛ اما در این قسمت، مسئله به این صورت بررسی شد که آیا مهارت در حل مسئله/مذاکره زوجین پیش‌بینی‌کننده سازگاری بیشتر آن‌ها نیز است؟



$$R = 0.076 \text{ و } R^2 = 0.058 \quad F(1, 30) = 40.70 \text{ و } P = 0.001$$

شکل ۱. پیش‌بینی سهم واریانس مهارت ارتباطی حل مسئله/مذاکره در میزان سازگاری زناشویی

همان‌طور که در شکل ۱ مشاهده می‌شود، مهارت داشتن زوجین در حل مسئله پیش‌بینی‌کننده معتبری برای سازگاری زناشویی آنان با ضریب رگرسیون ۰/۷۶ است.

مهارت تصمیم‌گیری

پیش‌بینی می‌شود زوج‌هایی که تعاملات منفی بیشتری دارند، بیشتر در گروهی قرار می‌گیرند که نمی‌توانند دربارهٔ وظایف یا نقش‌ها تصمیم‌گیری کنند. برای بررسی نقش پیش‌بینی‌کنندهٔ چگونگی تعاملات در تصمیم‌گیری، نتایج آزمون رگرسیون لجستیک نشان داد مدل کلی با $p < 0.001$ و $\chi^2(2) = 24.36$ به‌طور معنی‌داری پایا بوده است و این مدل بین ۵۴/۴ درصد تا ۷۶/۱ درصد از واریانس را تبیین می‌کند. نتایج آزمون هاسمر-لمه شو نشان داد که مدل با $p < 0.067$ و $\chi^2(8) = 5.73$ ، مدل بسیار مناسبی برای داده‌هاست. در جدول ۴، خلاصهٔ نتایج پیش‌بینی و مقایسهٔ آن با نتایج معادل Block 0 گزارش شده است.

جدول ۴: خلاصهٔ نتایج پیش‌بینی و مقایسهٔ آن با نتایج معادل در Block 0

پیش‌بینی درست %	پیش‌بینی شده مرور خاطرات خوب		گروه‌ها
	دارند	ندارند	
۸۰٪ (۰)	۲ (۱۰)	۸ (۰)	تصمیم‌گیری ندارند
۹۰/۵٪ (۱۰۰)	۱۹ (۲۱)	۲ (۰)	تصمیم‌گیری دارند

درصد کلی ۸۷/۱ (۶۷/۷)

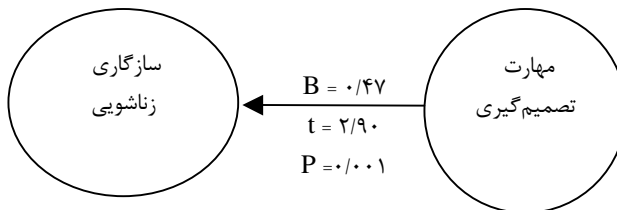
همان‌طور که نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد، مدل محاسبه شده برای ۸۷/۱ درصد از افراد نتیجه به‌دروستی پیش‌بینی کرده است؛ البته مقایسهٔ نتایج با نتیجهٔ موجود در Block 0 نشان می‌دهد که تحلیل رگرسیون پیش‌بینی دقیق‌تری از یک پیش‌بینی ساده را گزارش داده است (۸۷/۱ درصد در مقابل ۶۷/۷ درصد). در جدول ۵، آزمون انفرادی متغیرها براساس میزان ضریب رگرسیون و آمارهٔ والد ارائه شده است.

جدول ۵: نتایج آزمون انفرادی پیش‌بینی مهارت تصمیم‌گیری براساس چگونگی تعاملات زوجین

Exp (B)	Sig	df	Wald	S.E	Beta	نوع تعامل زوجین
۰/۹۱	۰/۰۴	۱	۴/۱۸	۰/۰۴	-۰/۰۹	تعامل منفی زوجین
۱/۵۰	۰/۱۱	۱	۲/۵۴	۰/۰۸	۰/۱۴	تعامل مثبت زوجین
۱۴/۴۱	۰/۱۷	۱	۱/۸۷	۱/۹۴	۲/۶۶	مقدار ثابت

همان‌طور که نتایج تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد، تعامل منفی زوج‌ها پیش‌بینی‌کننده منفی برای انجام مهارت تصمیم‌گیری است (-۰/۰۹)؛ به‌گونه‌ای که یک واحد افزایش در این تعامل، شانس تصمیم‌گیری را ۰/۹۱ کاهش می‌دهد.

نتایج یافته‌ها درباره میزان سازگاری زناشویی در زوج‌هایی که از این مهارت در تکلیف دوم استفاده کرده‌اند، نشان داد که مهارت تصمیم‌گیری پیش‌بینی‌کننده معتبری برای میزان سازگاری زناشویی است؛ به‌گونه‌ای که زوج‌هایی که این مهارت را داشته‌اند، سازگارتر از زوجینی‌اند که این مهارت را نداشته‌اند (شکل ۲).



$$R = ۰/۴۵ \text{ و } R^2 = ۰/۲۲ \text{ F (۱ و ۳۰)} = ۸/۴۴ \text{ و } P = ۰/۰۰۸$$

شکل ۲. پیش‌بینی سهم واریانس مهارت ارتباطی تصمیم‌گیری در میزان سازگاری زناشویی

مهارت مرور خاطرات خوب

پیش‌بینی می‌شود زوجینی که تعاملات مثبت بیشتری دارند، بیشتر در گروهی قرار می‌گیرند که می‌توانند خاطرات خوب خود را مرور کنند. نتایج آزمون رگرسیون لجستیک نشان داد مدل کلی با $p < ۰,۰۰۰$ و $\chi^2_{(۲)} = ۸۲/۲۵$ به‌طور معنی‌داری پایا بوده است و این مدل بین ۵۶/۵ درصد تا ۸۰/۷ درصد از واریانس را تبیین می‌کند. نتایج آزمون هاسمر-لمه شو نشان داد که مدل با $p < ۰,۰۹۵$ و $\chi^2_{(۸)} = ۲/۸۱$ ، مدل باکفایتی برای داده‌هاست. در جدول ۶، خلاصه نتایج پیش‌بینی و مقایسه آن با نتایج معادل Block 0 گزارش شده است.

جدول ۶: خلاصه نتایج پیش‌بینی و مقایسه آن با نتایج معادل در Block 0

پیش‌بینی درست %	پیش‌بینی شده مرور خاطرات خوب		گروه‌ها
	دارند	ندارند	
(۰)٪۸۸/۹	(۹)۱	(۰) ۸	مرور خاطرات خوب ندارند
(۱۰۰)٪۹۵/۵	(۲۲)۲۱	(۰) ۱	مرور خاطرات خوب دارند

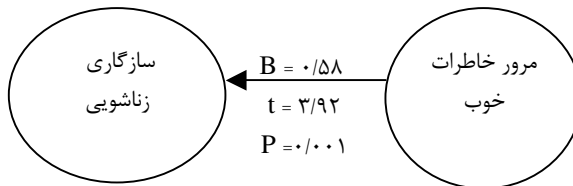
درصد کلی ۹۳/۵ (۷۱)

همان‌طور که نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد، مدل محاسبه شده برای ۹۳/۵ درصد از افراد نتیجه را به‌درستی پیش‌بینی کرده است؛ البته مقایسه نتایج با نتیجه موجود در Block0 نشان می‌دهد که تحلیل رگرسیون پیش‌بینی دقیق‌تری از یک پیش‌بینی ساده را گزارش داده است (۹۳/۵ درصد در مقابل ۷۱ درصد). در جدول ۷، آزمون انفرادی متغیرها براساس میزان ضریب رگرسیون و آماره والد ارائه شده است. همان‌طور که نتایج تحلیل داده‌ها در جدول مذکور نشان می‌دهد، تعامل مثبت زوجین پیش‌بینی‌کننده مثبتی برای مرور خاطرات خوب در تکلیف سوم است (۰/۳۰). به‌عبارت‌دیگر، زوجینی که میزان تعاملات مثبت آن‌ها بیشتر بوده است، بیشتر به گروهی تعلق دارند که توانستند درباره خاطرات خوب خود صحبت کنند.

جدول ۷: نتایج آزمون انفرادی پیش‌بینی مرور خاطرات خوب براساس چگونگی تعاملات زوجین

Exp (B)	Sig	df	Wald	S.E	Beta	نوع تعامل زوجین
۰/۹۲	۰/۰۷	۱	۲/۷۸	۰/۰۴	-۰/۰۸	تعامل منفی زوجین
۱/۳۵	۰/۰۳	۱	۴/۳۸	۰/۱۴	۰/۳۰	تعامل مثبت زوجین
۲/۹۸	۰/۶۰	۱	۰/۲۷	۲/۱۰	۱/۰۹	مقدار ثابت

نتایج یافته‌ها درباره میزان سازگاری زناشویی نیز نشان داد که مرور خاطرات خوب پیش‌بینی‌کننده معتبری برای میزان سازگاری زناشویی است؛ به‌گونه‌ای که زوجینی که توانستند خاطرات خوب خود را یادآوری کنند، سازگارتر از زوجینی بودند که درباره خاطرات خوب خود نتوانستند صحبت کنند (شکل ۳).



$$R = 0.58 \text{ و } R^2 = 0.34 \quad F(1 \text{ و } 30) = 15.43 \text{ و } P = 0.001$$

شکل ۳. پیش‌بینی سهم واریانس مرور خاطرات خوب در میزان سازگاری زناشویی

بحث و نتیجه‌گیری

به‌طور خلاصه، نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد در حالی‌که با افزایش تعامل مثبت بین زوج‌ها مهارت حل مسئله و مذاکره بیشتر رخ می‌دهد، هرچه تعامل منفی زوج‌ها افزایش می‌یابد، مهارت حل مسئله یا مذاکره کمتر اتفاق می‌افتد. همچنین در حالی‌که تعامل منفی زوج‌ها پیش‌بینی‌کننده منفی برای انجام مهارت تصمیم‌گیری است، زوجینی که میزان تعاملات مثبت آن‌ها بیشتر بود، توانستند راجع به خاطرات خوب خود صحبت کنند. از سوی دیگر، نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد زوجینی که از توانمندی مهارت‌های حل مسئله/مذاکره و تصمیم‌گیری و مرور خاطرات خوب برخوردار بودند، میزان سازگاری زناشویی بیشتری نیز داشتند (شکل‌های ۱ و ۲).

کراپلی (۲۰۰۵) توضیح می‌دهد زوج‌هایی که از مهارت‌های حل مسئله یا مذاکره (مانند فعالانه گوش‌دادن، ارائه راه حل و احساسات همدلی)، مهارت‌های حل تعارض، افزایش تعامل مثبت و ایجاد احساس مثبت به رابطه، بیشتر استفاده می‌کنند، سازگاری و رضایتمندی زناشویی بیشتری دارند. از سوی دیگر، زوجینی که تعاملات منفی بیشتری بین آن‌ها ردوبدل می‌شود، فرصتی برای استفاده از این مهارت‌ها نمی‌یابند؛ چنانکه نتایج پژوهش‌ها نیز نشان داده است که اثر تعامل منفی در تخریب روابط زناشویی بسیار بیشتر از اثر تعامل مثبت در رضایت از رابطه است. به‌عبارت دیگر، هرچه تعامل منفی کمتر شود، بر رضایتمندی زوجین افزوده می‌شود (دوپلیسیس، ۲۰۰۸؛ اسکایر و بودنمان و کلینک، ۲۰۰۸؛ کوئرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲؛ استافورد و کاناری، ۱۹۹۱).

پژوهشگران اعتقاد دارند زمانی‌که تعامل منفی بین زوج‌ها کمتر و تعامل مثبت بین آن‌ها بیشتر باشد، ارتباط بین زوج‌ها به ارتباطی صادقانه تبدیل می‌شود که در این ارتباط، آن‌ها به یکدیگر کمک می‌کنند که درک مشترکی از علایق داشته باشند و شباهت‌هایشان را برجسته و پررنگ کنند. این رفتارها منجر می‌شود که هر یک از زوج‌ها در مواقع نیاز، کمک دیگری بوده و در مواقع تعارض، به‌دنبال راه‌حلی برای پایان دادن به تعارض باشد (هالفورد و مارکمن، ۲۰۰۵؛ گاتمن و همکاران، ۲۰۰۲؛ نولر و فیینی، ۲۰۰۲؛ استاهمن، ۲۰۰۰).

نولر و فیینی (۲۰۰۲) اعتقاد دارند زوج‌ها به‌عنوان واحدی نگریسته می‌شوند که هر یک از طرفین با فضای روانی و نوع رفتار خود، زمینه را برای واکنش فرد مقابل فراهم می‌سازد که وی نیز فضای روانی و نوع رفتار آماده خود را دارد. در این فضا که شناخت و عواطف و رفتار هر یک از زوج‌ها در آن نقش بسزایی ایفا می‌کند، اگر یکی از زوج‌ها با تعاملات مثبت یا منفی، فضا را آماده یا آلوده سازد، زوج دیگر نیز در این فضا درگیر می‌شود و گویا دریچه‌ای با عواطف مشترک به دوسو گشوده می‌شود. فضایی که آکنده از تحقیر، توهین، شکایت و خرده‌گیری باشد، زوج‌ها را به‌سوی حمله، دفاع یا اجتناب می‌کشاند و فضایی که سرشار از مراقبت، احترام، تأیید و تحسین باشد، زوجین را به‌سوی گفتمانی صمیمانه راهنمایی می‌کند (رابرتز و گرینبرگ، ۲۰۰۲).

دوپلیسیس (۲۰۰۸) اعتقاد دارد کاربرد تعاملات مثبت منجر می‌شود زوج‌ها به یکدیگر احساسات مثبت منتقل کرده و در نتیجه، بر جنبه‌ها و محتواهای مثبت از پیام همسرانشان توجه کنند. در واقع، این موضوع منجر می‌شود زوج‌ها نوعی توجه انتخابی به جنبه‌های مثبت داشته باشند؛ البته همین مسئله دربارهٔ تعاملات منفی و در نتیجه، احساسات منفی رد و بدل شده و فیلتر ذهنی منفی نیز صدق می‌کند. این پژوهشگر توضیح می‌دهد نقش تعاملات منفی به‌گونه‌ای است که هر چقدر این تعاملات در زوج‌ها بیشتر باشد، احساسات منفی آن‌ها بیشتر شده و در نتیجه، یادآوری خاطرات مثبت برای آن‌ها سخت‌تر می‌شود. این موضوع، تأیید یافتهٔ حاضر دربارهٔ نقش تعاملات منفی در به یاد نیوردن خاطرات خوب مشترک است.

به اعتقاد دوهان و همکاران (۲۰۰۹) تعامل مثبت زوج‌ها و نیز صحبت آن‌ها در فضایی مثبت، منجر می‌شود خلق زوج‌ها حالتی مطلوب داشته باشد و در نتیجه، خاطرات خوب را یادآوری کند. این پژوهشگران ضمن تأکید بر هماهنگی بین افکار و عواطف و مرور ذهنی، توضیح می‌دهند خلق مثبت، بیشتر خاطرات خوب را یادآوری می‌کند و خلق منفی، خاطرات نامطلوب را. ازسوی دیگر، هر چه این‌گونه تعاملات در بین زوجین افزایش یابد، ضمن افزایش کیفیت ارتباط آن‌ها، بر نظام ارتباطی خانواده، یعنی تعامل والد - فرزند و تعامل همشیران نیز تأثیر مثبت دارد.

در پایان، اشاره می‌شود آنچه واضح است، توجه به این نکته است که بروز تعارض زناشویی و ناکارآمدی الگوهای ارتباطی در بین زوجین، یکی از مقدمات جدایی و طلاق است و یکی از بهترین راه‌ها برای پرورش ارتباط و سازگاری مناسب زوجین، یاددهی فعالیت‌ها و مهارت‌های ارتباطی است تا زوج‌ها با فراگیری این مهارت‌های ارتباطی و برقراری ارتباطی صحیح، در تعاملات زناشویی خود به حل مناسب تعارضات و کاهش نرخ طلاق کمک کنند. پیشنهاد می‌شود با توجه به اینکه افزایش تعاملات منفی به مثبت در زوج‌ها از جمله علل ناسازگاری و نارضایتی زوجین است، در برنامه‌های آموزشی و غنی‌سازی روابط زوج‌ها به افزایش تعاملات مثبت زوج‌ها و کاهش تعاملات منفی آن‌ها توجه بیشتری شود.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران بدین‌وسیله مراتب سپاسگزاری خود را از مسئولان پژوهشکدهٔ خانوادهٔ دانشگاه شهید بهشتی اعلام می‌کنند که آزمایشگاه پژوهشکده را برای انجام این پژوهش در اختیار محققان قرار دادند و اجرای این پژوهش را ممکن ساختند.

پی‌نوشت‌ها

1. Christensen & Sullavy
2. Rapid Couple Interaction Scoring System

3. Marital Adjustment Test
4. Schamaker & Leonard
5. Internal Consistency
6. Construct
7. Iranian Couples Interaction Coding System
8. SPAFF
9. Halford
10. Tomita
11. Validity
12. Reliability

کتابنامه فارسی

- احمدی، ز.، احمدی، ا.، فاتحی‌زاده، م. (۱۳۸۵). «بررسی اثربخشی شیوه زوج‌درمانی ارتباط شیء کوتاه‌مدت بر الگوهای ارتباطی زوجین». فصلنامه خانوادہ‌پژوهی، ۲(۶)، ۱۰۵ تا ۱۱۷.
- فاتحی‌زاده، م.، احمدی، ا. (۱۳۸۴). «بررسی رابطه بین الگوهای ارتباطی ازدواج و میزان رضایتمندی زناشویی زوجین شاغل در دانشگاه اصفهان». فصلنامه خانوادہ‌پژوهی، ۱(۲)، ۱۳۱ تا ۱۳۷.
- صادقی، م.، مظاهری، ع.، موتابی، ف. (۱۳۸۹). «نظام ایرانی کدگذاری مشاهده‌ای از تعاملات دوجانبه زوجین». فصلنامه خانوادہ‌پژوهی، ۶(۲۳)، ۳۳۵ تا ۳۷۳.

کتابنامه انگلیسی

- Christensen, A., Eldridge, K., Catta-Preta, A. B., Lim, V. R., & Santagata, R. (2006). Cross-cultural consistency of the demand/withdraw interaction pattern in couples. *Journal of Marriage and Family*, 68(4), 1029-1044
- Cropley, C.J. (2005). The effect of couple entativity on attributions, nonverbal communication, and relational satisfaction. *Dissertation Abstracts International*, 65, 4337.
- Doohan, E., Carr`ere, S., Siler, Ch., & Beardslee, Ch. (2009). The link between the marital bond and future triadic family interactions. *Journal of Marriage and Family*, 71, 892 – 904.
- Driver, J.L. (2006). *Observation of newlywed interactions in conflict and in every day life*. A dissertation submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of Philosophy. University of Washington.
- Du Plessis, K. (2008). *Attachment and Conflict in Close Relationships: The association of attachment with conflict resolution styles, conflict beliefs, communication accuracy and relationship satisfaction*. A thesis presented in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy in Psychology at Massey University, Albany, New Zealand.
- Gottman, J.M. (1994). *What predicts divorce? The relationship between marital processes and marital outcomes*. Mahweh, NJ: Lawrence Erlbaum Associates, Inc.
- Gottman, J.M., Levenson, R.W. (2000). The timing of divorce: Predicting when a couple will divorce over a 14-year period. *Journal of Marriage and the Family*, 62, 737-745.

- Gottman, J.M., & Notarius, C.I. (2002). Marital research in the 20th century and a research agenda for the 21st century. *Family Process Journal*, 41, 159-197.
- Gottman, J.M., & Notarius, C.I. (2000). Decade overview: Observing marital interaction. *Journal of Marriage and the Family*, 62, 927-947.
- Gottman, J.M., Swanson, C., & Swanson, K. (2002). A general system theory of marriage: Nonlinear difference equation modeling of marital interaction. *Personality & Social Psychology Review*, 6 (4): 326-340.
- Huston, T.L., Caughlin, J.P., Houts, R.M., Smith, S.E., & George, L.J. (2001). The connubial crucible: Newlywed years as predictors of marital delight, distress and divorce. *Journal of Personality and Social Psychology*, 80, 237-252.
- Koerner, A.F., & Fitzpatrick, M.A. (2002). Nonverbal communication and marital adjustment and satisfaction: The role of decoding relationship relevant and relationship irrelevant affect. *Communication Monographs*, 69, 33-51.
- Mazaheri – Tehrani, M.A. (1997). *Attachment from a systemic perspective: A study of Iranian families*. Thesis submitted for ph.D. Birkbeck College, University of London, October.
- Noller, P., & Feeney, J.A. (1998). Communication in early marriage: Responses to conflict, nonverbal accuracy and conversational patterns, In T. N. Bradbury (Ed.), *The developmental course of marital dysfunction* (pp. 11-43). New York: Cambridge University Press.
- Rehman, U.S. (2003). The association between communication behaviors and marital distress: A comparison of Pakistani, Pakistani immigrant, and white American couples. A dissertation submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of Psychology. Indiana University, Department of Psychology.
- Roberts, L.J., & Greenberg, D.R. (2002). Observational “windows” to intimacy processes in marriage. In P. Noller & J.A. Feeney (Eds.), *Understanding marriage - Developments in the study of couple interaction* (pp. 118-149). Cambridge, MA: Cambridge University Press.
- Schaer, M., Bodenmann, G., & Klink, T. (2008). Balancing Work and Relationship: Couples Coping Enhancement Training (CCET) in the Workplace. *Applied Psychology*, 57, 71-89.
- Schumacher, J.A., & Leonard, K.E. (2005). Husbands' and wives' marital adjustment, verbal aggression, and physical aggression as longitudinal predictors of physical aggression in early marriage. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 73(1), 28-37.
- Tomita, S. K. (1994). The consideration of cultural factors in the research of elder mistreatment with an in-depth look at the Japanese. *Journal of Cross-Cultural Aging*, 9: 38-52.
- Vangelisti, A., L. (2004). *Handbook of Family Communication*. London: Lawrence Erlbaum Associates.